

برساخت معنایی طرد اجتماعی در میان افراد کم‌برخوردار شهر مشهد

طاهره لطفی خاچکی^۱، حسین اکبری^۲، مهدی کرمانی^۳، حسین ایمانی جاجرمی^۴

شناسه پژوهشگر (ارکید): ۷۲۹۱-۷۶۹۲-۰۰۰۰-۰۰۰۱
شناسه پژوهشگر (ارکید): ۱۰۴۵-۶۹۵۲-۰۰۰۰-۰۰۰۳
شناسه پژوهشگر (ارکید): ۹۴۰۵-۵۱۶۲-۰۰۰۰-۰۰۰۲
شناسه پژوهشگر (ارکید): ۶۷۴۸-۲۵۵۹-۰۰۰۰-۰۰۰۱

چکیده

طرد اجتماعی، به معنای واپس‌زنی افراد از جامعه و منابع و فرصت‌های آن است و افراد کم‌برخوردار، از جمله کسانی هستند که در برابر طرد اجتماعی آسیب‌پذیری بیشتری دارند. با این وجود، پژوهش‌هایی که از نگاه خود افراد کم‌برخوردار به پدیده طرد اجتماعی بنگرد، در کشور ما کمتر انجام شده است. پژوهش حاضر با هدف کشف احساسات و تجارب افراد کم‌برخوردار درباره طرد اجتماعی و شناسایی بیشتر ویژگی‌های طرد و ارتباط آن با فقر صورت پذیرفته است. بدین منظور، از روش کیفی و ابزار مصاحبه استفاده شده است؛ مصاحبه‌شوندگان ۱۸ نفر از افراد کم‌برخوردار شهر مشهد بوده‌اند و نمونه‌گیری در این پژوهش، به شیوه نمونه‌گیری نظری بوده است. داده‌های حاصل از این مصاحبه‌ها، با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل مضمون مورد نظر براون و کلارک (۲۰۰۶) بررسی و تجزیه و تحلیل شده است.

یافته‌های این پژوهش نمایانگر دو گونه اصلی طرد اجتماعی است؛ طرد تعاملاتی که شامل طرد از خانواده و خویشان و کاهش تعاملات با افراد برخوردار است و طرد از فرصت‌های اقتصادی- اجتماعی که طرد از منابع مالی (دسترس‌ناپذیری وام و تسهیلات)، طرد از بازار کار (دسترس‌ناپذیری شغلی) و عدم حمایت بایسته سازمان‌ها و نهادهای دولتی را در برمی‌گیرد. واژگان کلیدی: طرد اجتماعی، فقر، افراد کم‌برخوردار، مشارکت

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد/ taherelotfi352@yahoo.com

۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)/ h-akbari@um.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد/ m-kermani@um.ac.ir

۴. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران/ imanijajarmi@ut.ac.ir

مقاله علمی پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۲

دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۲۳۸-۲۲۱

۱. مقدمه و بیان مسئله

طرد اجتماعی، به معنای واپس زنی افراد از جامعه و منابع و فرصت های آن است که بر بهروزی و رفاه بسیاری از افراد تأثیر می گذارد و فرصت های آن ها را برای دستیابی به توانایی های کامل خود محدود می کند. با طرد از سیستم های آموزشی، بهداشتی، اجتماعی، مالیاتی و اشتغال، خطر فقر از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود که تداوم بیشتر فقر و نابرابری را در پی دارد و می تواند منجر به ازدست رفتن درآمدت بهره‌وری اقتصادی از بسیاری از گروه‌های جامعه شود و هرگونه رشد اقتصادی فراگیر و پایدار را مختل کند (یوراست، ۲۰۱۸)؛ به عبارت دیگر، مفهوم طرد اجتماعی دربرگیرنده طیف گسترده‌ای از عوامل است که افراد و گروه‌ها را از داشتن فرصت‌هایی که پیش روی اکثریت جامعه است، باز می‌دارد. درحالی‌که برای برخورداری از زندگی کامل و فعال، نه تنها افراد باید قادر به تأمین خوراک، پوشاک و مسکن خود باشند؛ بلکه باید به کالاها و خدمات ضروری همانند حمل و نقل، تلفن، بیمه و خدمات بانکی نیز دسترسی داشته باشند و برای آن‌که جامعه یا اجتماعی بتوانند منسجم و همبسته شوند، بسیار مهم است که اعضای آن از نهادهای همگانی مثل مدارس، امکانات بهداشتی و درمانی و حمل و نقل عمومی بهره‌مند باشند تا حس انسجام و پیوستگی اجتماعی در میان افراد جامعه شکل گیرد (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۶).

با وجود این‌که این نوع تحلیل از طرد اجتماعی (به منزله انباشت موانعی که مانع مشارکت اجتماعی است)، سیر علمی و نهادی دیرپایی دارد؛ با این حال کلیشه‌های بسیاری درباره سوء استفاده و وابستگی به خدمات رفاهی، نیز در جوامع گسترش یافته است (ویرتو، ۲۰۲۰) که خود بر طرد اجتماعی بیشتر افراد کم‌برخوردار دامن می‌زند. با این همه، طرد اجتماعی همواره مورد توجه سیاست‌گذاران، جامعه‌شناسان و اقتصاددانان بوده است و از این اصطلاح برای اشاره به مواردی همچون گروه‌های دارای مشکل (به عنوان مثال، متکدیان، افراد فقیر بدون دارایی و حق مالکیت در روستاها، زنان دچار بیکاری مزمن، زنان کارگر موقت، اقلیت‌های قومی)، شرایط مشکل ساز (فقر، بیکاری، قبیله گرایی، فروپاشی خانواده، انزوا) و فرآیندهای مشکل ساز (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی) استفاده شده است (کابر، ۲۰۰۰). بدین ترتیب، ارتباط طرد اجتماعی با فقر مسئله پوشیده‌ای نیست و محققان مختلف به پیوند میان طرد اجتماعی و فقر اذعان داشته‌اند (ویرتو، ۲۰۲۰؛ ریچاردسون و ویل، ۲۰۱۵؛ گیله و همکاران، ۲۰۰۳؛ واکسمن، ۱۹۹۷)؛ تا آنجا که برخی قائل به چرخش مفهومی از فقر به مطرودیت اجتماعی هستند (غفاری و امیدی، ۱۳۸۹). در واقع، مسئله به حاشیه رانده شدن و طرد اجتماعی فقرا، از دیرباز وجود داشته و در جوامع نوین اشکالی تازه و سهمگین به خود دیده است.

دی هان و ماکسول (۱۹۹۸)، معتقدند مطرودیت اجتماعی می‌تواند کسب درآمد پایین‌تر از حد معمول در جامعه، ناکامیابی یا عدم توانایی شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی یا زندگی در حاشیه‌ها را در پی داشته باشد. به علاوه، با وجود آن‌که طرد اجتماعی مختص یک گروه یا جامعه

نیست؛ ولی در میان همه گروه‌ها و جوامع نیز به اندازه یکسانی وجود ندارد. برخی، جوانان را به علت نرخ اشتغال پایین و ناامنی شغلی بیشتر مستعد طرد می‌دانند. به باور یوراست (۲۰۱۸)، جوانان بیشتر در معرض خطر قرار نگرفتن در بازار کار و تجربه محرومیت اجتماعی هستند. برخی نیز زنان فقیر را در برابر طرد اجتماعی آسیب پذیرتر می‌دانند (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۸۹). بی‌گمان، طرد اجتماعی با فقر ارتباط تنگاتنگی دارد و بیشتر گروه‌های مختلف افراد کم برخوردار در معرض طرد اجتماعی قرار دارند که این مطرودیت نیز به نوبه خود می‌تواند با کاهش دسترسی به منابع و فرصت‌ها، افراد را بیشتر در شرایط فقر باقی نگه دارد.

در این بین، شهر مشهد با دارا بودن مناطق حاشیه‌ای بسیار، توزیع نامناسب ثروت، نابرابری فراوان و گستره فقر شهری قابل توجه (اکبری، ۱۳۹۷؛ فرهادی خواه و همکاران، ۱۳۹۶؛ یوسفی و ورشوئی، ۱۳۹۰)، حائز اهمیتی بسیار در زمینه فقر و مطرودیت اجتماعی است. شدت فقر و نابرابری در شهر مشهد (یوسفی و ورشوئی، ۱۳۹۰)، به اندازه‌ای است که شکاف درآمدی دهک دهم در سنجش با دهک نخست درآمدی، بیش از نوزده برابر است. این موضوع، مشهد را به دو بخش کم برخوردار و برخوردار تقسیم کرده (اکبری، ۱۳۹۷) و زمینه‌ساز طرد اجتماعی است. (سفیری و همکاران، ۱۳۹۹)، طرد اجتماعی زیادی را در میان زنان تحت پوشش سازمان بهزیستی در شهر مشهد، گزارش نموده‌اند؛ با این وجود، تحلیلی که به صورت همه جانبه و دقیق در صدد بررسی این پدیده در شهر مشهد باشد، به ندرت انجام شده است. این پژوهش با نگرش به «طرد» به عنوان یک مسئله اجتماعی مرتبط با فقر، در تلاش است افراد، احساسات و تجارب آنان را مورد کنکاش قرار دهد تا از این طریق به شناسایی بیشتر ویژگی‌های طرد اجتماعی و ارتباط طرد اجتماعی با فقر دست یابد.

پیشینه پژوهش

واکسمن (۱۹۹۷) با پیش کشیدن امکان شکستن چرخه‌ای که ناشی از ننگ آمیز بودن فقر است، رویکرد رابطه‌ای فقر را پیشنهاد می‌کند که لازمه آن درک موقعیت فقرا در ساختار اجتماعی و نگرش و عملکرد افراد غیر فقیر نسبت به فقرا و تأثیرات این‌ها بر خود فقیران است. وی بر ادغام و هم پیوندی فقرا در جامعه تأکید می‌کند.

گلیه^۱ و همکاران (۲۰۰۳)، در پژوهش خود درباره پیوند بیکاری، طرد اجتماعی و فقر و بیکاری؛ دریافتند بیکاری، خطرات فقر را افزایش می‌دهد و فقر به نوبه خود بازگشت افراد به کار را دشوارتر می‌کند. در واقع، مدل طرد اجتماعی^۲ مانند مارپیچی روبه پایین است که در آن درحاشیه بودن در بازار کار، محرومیت مالی و انزوای اجتماعی ایجاد می‌کند که به سهم خود موجب دشوارتر شدن ورود دوباره به کار می‌شود. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که برای فهم پیامدهای بیکاری بر محرومیت اجتماعی، نخست باید به معضل فقر پرداخت.

1. Gallie

2. Social exclusion model

پژوهش روتر و همکاران (۲۰۰۹) در کانادا نیز نشان می‌دهد ساکنان کم‌درآمد دو شهر بزرگ کانادا با شیوه‌هایی مانند جداشدن و جداسازی خود از دیگران و درگیر شدن در فرایندهای فاصله‌شناختی، به طرد اجتماعی ناشی از فقر خود پاسخ می‌گویند.

مطالعه ریچاردسون و ویل^۱ (۲۰۱۵) با پیوند زدن رابطه مسائل نژادی با مسائل شغلی درباره فقر، نشان می‌دهد دسترسی به فرصت‌های شغلی مشروع برای مردان جوان سیاه‌پوست فقیر محدود است و آنان برای کسب شغل به کارهای مجرمانه مانند باندهای مسلح روی می‌آورند. سازگاری فرهنگی با بیکاری، تبعیض نژادی پیاپی و طرد اجتماعی باعث شده است آنان به قوانین غیررسمی خیابان روی آوردند و به آن احترام بگذارند.

صادقی (۱۳۹۵) نیز به پیروی از بیات، زندگی تهیدستان شهری را بسیار پویاتر و پیچیده‌تر می‌یابد. وی استراتژی‌های دیگری را آشکار می‌کند که نشان‌دهنده مقاومت و مبارزات نرم تهیدستان تهرانی برای مقابله با فشار دولت است. به باور وی، گروه‌های فاقد امتیاز نه به شیوه‌های رسمی که عمدتاً از آن طرد شده‌اند؛ بلکه با اعمال عادی روزمره در قلمروهای «غیررسمی»، حضورشان را برای بهبود زندگی ابراز می‌کنند و ترتیبات قدرت را متزلزل می‌سازند.

مطابق پژوهش ایمانی جاجرمی و مسعودیان (۱۳۹۸)، دولت به علت نوع فضایی که در پروژه مسکن مهر تولید کرده است، زمینه بازتعریف ساکنان مسکن مهر را به وجود آورده و موجب برساخت برجسب «مسکن مهری» شده که دارای عناصری از احساس تحقیر، تبعیض و طرد است.

شرافت و همکاران (۱۳۹۷) نیز با مطالعه طرد اجتماعی فقرای روستایی ایلام، دریافتند فقر یکی از شرایط علی شکل‌گیری مناسبات نابرابر اقتصادی - اجتماعی و طرد اجتماعی است. این پژوهش، در راهبردهای مورد استفاده برای مواجهه با پدیده نابرابری و طرد اجتماعی؛ به ایجاد گروه‌های متکثر و متضاد در روستاها، اختلاف و چنددستگی، کسب سرمایه نامشروع، انطباق و خودمحروم‌سازی اشاره نموده است. پیامدهای اتخاذ چنین راهبردهایی، آسیب‌پذیری، بی‌تفاوتی، بی‌اعتمادی، بدبینی، ناامیدی و سرخوردگی، مشارکت پایین، بروز آسیب‌های اجتماعی، مواجهه با تنبیهات قانونی، تضعیف شبکه‌های اجتماعی، خالی شدن روستاها از سکنه و تداوم فقر، نابرابری و طرد اجتماعی است.

نتایج پژوهش فیروزآبادی و صادقی (۱۳۸۹) در میان زنان فقیر روستایی، نشان می‌دهد که طرد و محرومیت زنان به موقعیت کنونی آن‌ها بر نمی‌گردد؛ بلکه به‌گونه‌ای فرایندی با گذشته و پیشینه آنان، با ویژگی‌های فردی، ساختار خویشاوندی، فقر مزمن و بین‌نسلی و برخی رویدادهای خاص زندگی در ارتباط است. افزون بر آن، عوامل اجتماعی و فرهنگی (غیردرآمدی) بسیاری نیز در به حاشیه‌راندن زنان از جریان اصلی اجتماع نقش دارند که به سهم خود می‌توانند فرصت خروج از فقر و محرومیت را برای آنان با دشواری مواجه کنند.

1. Richardson & Vil

با توجه به پژوهش‌های پیشین، به نظر می‌رسد میان مطرودیت اجتماعی و فقر ارتباط وجود دارد و هریک از پژوهش‌ها به بُعد یا ابعادی از این رابطه و علل، نتایج و پیامدهای آن پرداخته‌اند. واکسمن (۱۹۹۷) به لزوم توجه به ادغام و هم‌پیوندی فقرا، گلپه و همکاران (۲۰۰۳) و ریچاردسون و ویل (۲۰۱۵) به رابطه طرد اجتماعی با مشکلات شغلی و بیکاری، روتر و همکاران (۲۰۰۹) به جداسازی افراد در نتیجه شرایط فقر و طرد، صادقی (۱۳۹۵) به مقاومت و مبارزه افراد فقیر علیه شرایط فقر و طرد اجتماعی، شرافت و همکاران (۱۳۹۷) به آسیب‌های اجتماعی ناشی از طرد اجتماعی و فیروزآبادی و صادقی (۱۳۸۹) به آسیب‌پذیری بیشتر زنان فقیر در مقابل طرد اجتماعی توجه داشته‌اند.

۲. مبانی و مفاهیم حساس نظری

مفهوم طرد اجتماعی،^۱ در دهه ۱۹۷۰ از فرانسه سرچشمه گرفته است. این پنداره در فرانسه برای اشاره به کسانی که تحت پوشش سیستم حمایت از بیمه اجتماعی شغلی نبودند، به کار می‌رفت؛ اما با گذشت زمان دامنه آن گسترش یافت و افراد سالخورده و معلول، سوء مصرف کنندگان مواد، کودکان مورد آزار قرار گرفته، کارگران بیکار، مهاجرین، اقلیت‌های قومی و غیره را در بر گرفت؛ تا جایی که امروزه این مفهوم در مطالعات فقر نیز به کار می‌رود (ساندرز و تسموری، ۲۰۰۲).

در همه تعاریف طرد اجتماعی، کم‌وبیش متغیرهایی مانند آموزش، مسکن، سلامت و بهداشت را می‌توان ملاحظه کرد و مسائل و مفاهیمی همچون نیازهای اساسی، مسائل مالی و نارضایتی اجتماعی نیز در برخی تعاریف به چشم می‌خورد. یکی از ویژگی‌های طرد اجتماعی، طولی بودن آن است؛ به عبارت دیگر، مدت زمان محرومیت، مؤلفه‌های برجسته در تعریف طرد اجتماعی و نیز شکل‌گیری طرد اجتماعی است (ابراهیمی، ۱۳۹۱).

سن (۲۰۰۰)، بین مفهوم طرد اجتماعی با فقر رابطه برقرار می‌کند و میان ایده طرد اجتماعی با مفاهیم دیگری در ادبیات فقر و محرومیت ارتباطات مفهومی می‌یابد. وی سعی در تبیین رابطه بین طرد اجتماعی و فقر قابلیت می‌نماید: «محروم شدن از روابط اجتماعی، می‌تواند منجر به محرومیت‌های دیگری نیز شود؛ در نتیجه فرصت‌های زندگی ما بیشتر محدود می‌شود. به عنوان مثال، محروم شدن از فرصت استخدام یا ازدست دادن اعتبار، ممکن است منجر به فقر اقتصادی شود که به نوبه خود محرومیت‌های دیگری را در پی دارد» (سن، ۲۰۰۰: ۵).

طرد اجتماعی، نمایانگر راه و روش‌هایی است که طی آن افراد از مشارکت کامل در جامعه بزرگ‌تر محروم می‌شوند. طرد اجتماعی این مزیت را دارد که بر سازوکارها و فرایندهای طرد تأکید می‌کند. برای نمونه، کسانی که در مجتمع‌های مسکونی کهنه و مخروبه زندگی می‌کنند و در منطقه زندگی ایشان مدرسه‌های خوب و فرصت‌های اشتغال کافی وجود ندارد؛ ممکن است کاملاً از فرصت‌هایی که

1. Social Exclusion

2. Saunders & Tsumori

بیشتر مردم جامعه برای بهبود زندگی خود در اختیار دارند، محروم باشند (گیدنز و بردسالی، ۱۳۸۶). بر پایه این دیدگاه، فقرا مطرودین اجتماعی هستند. طرد اجتماعی فقرا در میان ابعاد فقر بر مشارکت اجتماعی تأکید ویژه‌ای دارد. در واقع، گفتمان «طرد اجتماعی» و «مشارکت اجتماعی»^۱ دو روی یک سکه هستند. اگر فردی «مطرود اجتماعی» باشد، بدان معنی است که نمی‌تواند به طور مؤثر در جامعه «مشارکت» کند. «به این ترتیب، طرد اجتماعی مستلزم عدم حضور در طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های اجتماعی است» (ساندرز و تسوموری، ۲۰۰۲).

بردشاو^۲ (۲۰۰۰)، سه بُعد طرد اجتماعی شامل طرد از بازار کار، طرد از خدمات و طرد از روابط اجتماعی را در ارتباط با فقر مورد بررسی قرار می‌دهد. دستیابی افراد به بازار کار به طور فزاینده‌ای مهم تلقی می‌شود؛ نه تنها به این دلیل که مسیری برای درآمد کافی است، بلکه به دلیل این که کار به عنوان یک عرصه مهم ارتباط اجتماعی و تعامل اجتماعی تلقی می‌شود. بنابراین، افرادی که دارای کار با درآمد نیستند، ممکن است از نظر اجتماعی طرد شوند و بدین ترتیب عدم حضور در کار با درآمد، ممکن است به فقر و محرومیت از خدمات و محرومیت از روابط اجتماعی منجر شود. از دیگر جنبه‌های طرد اجتماعی، عدم دسترسی به خدمات اساسی، چه در خانه (مانند منبع تغذیه و آب) و چه در خارج از آن (مانند حمل و نقل، امکانات خرید و خدمات مالی) است؛ و بُعد سوم نیز طرد از روابط اجتماعی است که شامل عدم مشارکت در فعالیت‌های مشترک اجتماعی، انزوا، کمبود حمایت‌ها، جدایی‌سازی‌ها و محصور بودن است که همگی آن‌ها در میان افراد فقیر بیشتر مشاهده می‌شود.

دی هان (۱۹۹۷)، حیطة و عناصر طرد اجتماعی را در سه حیطة اصلی دسته‌بندی کرده است:

- حیطة حقوق؛ شامل عناصر حقوق بشر، حقوق قانونی / مدنی و حقوق دموکراتیک؛
- حیطة منابع؛ شامل عناصر سرمایه انسانی و اجتماعی، بازار کار، بازار محصولات، تأمین دولتی و منابع مشترک مالی؛
- حیطة روابط؛ شامل شبکه‌های خانوادگی، شبکه‌های پشتیبانی گسترده‌تر و سازمان‌های داوطلبانه.

بر این اساس، ابعاد اصلی طرد اجتماعی در هر جامعه متفاوت خواهد بود. به عنوان مثال، یکی از موضوعات اصلی در کشورهای کمونیستی سابق و دولت‌های رفاهی، طرد از تأمین دولتی است. در عوض، در هند محرومیت از بازار کار، زمین یا اعتبار، یک بُعد بسیار مهم‌تر از طرد اجتماعی است. در اقتصادهای روبه‌رشد در شرق آسیا، محرومیت از حقوق مدنی و دموکراتیک - از جمله اصناف مانند کره جنوبی - ممکن است جنبه‌های برجسته‌تری داشته باشد.

با این همه، محرومیت در عرصه‌های مختلف در عمل باهم همپوشانی دارند؛ بنابراین، فقرا در هند

1. social participation

2. Bradshaw

احتمالاً از حقوق اساسی مانند دسترسی به دادگاه‌ها محروم می‌شوند و دسترسی کمتری به بازار کار و محصولات خواهند داشت.

آن‌ها همچنین از عدم حمایت خانواده و شبکه‌های گسترده‌تر رنج خواهند برد. همه این جنبه‌های محرومیت‌های متعدد، به کنش‌های سرآمدان (مانند زمین‌داران مسلط که فعالیت‌های انتخاباتی را کنترل می‌کنند)، یا عدالت طبقاتی^۱ در دادگاه‌ها مرتبط است. طرد از بازارها غالباً نه تنها مربوط به موقعیت جغرافیایی است، بلکه به تبعیض به دلیل جنسیت، کاست و یا قومیت نیز بستگی دارد. به همین ترتیب، ارزش‌های جنسیتی ممکن است تعیین‌کننده محرومیت زنان فقیر از حمایت خانواده باشد (دی‌هان و ماکسول، ۱۹۹۸).

۳. روش

پژوهش حاضر به روش کیفی انجام شده است و محققان در آن به دنبال تعمیم یافته‌ها نیستند. تکنیک مورد استفاده برای گردآوری داده‌ها در این پژوهش، مصاحبه است. رویکرد مصاحبه، گفت‌وگوی غیررسمی با رضایت مصاحبه‌شوندگان است که ۱۸ نفر (زن و مرد) از افراد کم‌برخوردار ساکن در مناطق حاشیه‌ای شهر مشهد بوده‌اند.

در این پژوهش، نمونه‌گیری به شیوه نمونه‌گیری نظری است. نمونه‌گیری می‌تواند شامل اشخاص، مکان‌ها و شرایط و موقعیت‌ها باشد. این وضعیت، بزرگ‌ترین فرصت را برای جمع‌آوری داده‌های مناسب در مورد پدیده مورد بررسی آماده می‌سازد (جارون و همکاران، ۲۰۰۶). در این تحقیق افزون بر اطمینان از تعداد مصاحبه‌ها برای رسیدن به اشباع نظری، تلاش شده است تا به وسیله شیوه اعتبارسنجی از طریق اعضا و پرسیدن دیدگاه شرکت‌کنندگان درباره اعتبار یافته‌ها و تفسیرهای به‌عمل‌آمده توسط محقق، بر اعتبار پژوهش افزوده شود. بدین منظور، پس از پایان هر پاسخ، پاسخ داده‌شده به وسیله مصاحبه‌گر مورد بازگویی قرار گرفته و با نظرات مصاحبه‌شوندگان مطابقت داده شده است.

تکنیک تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر، تکنیک تحلیل مضمون است. تحلیل مضمون، گونه‌ای از تحلیل مبتنی بر استقراء است که در آن محقق به دنبال دستیابی به یک سنخ‌شناسی تحلیلی از راه طبقه‌بندی داده‌ها و الگوهای درون داده‌ای است. در واقع، تحلیل مضمون سعی دارد از طریق کدگذاری داده‌ها و تحلیل آن‌ها، مشخص نماید که داده‌ها به ما چه می‌گویند. این تحلیل در پس الگویابی در میان داده است (محمدپور، ۱۳۹۲). این پژوهش از چهارچوب براون و کلارک (۲۰۰۶) برای تحلیل مضمون داده‌ها استفاده می‌کند. چهارچوب یادشده دارای شش مرحله (آشنایی با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جستجو برای تم‌ها، بررسی تم‌ها، تعریف تم‌ها و نگارش و تحلیل نهایی) است که لزوماً به صورت ترتیبی و پشت سرهم اتفاق نمی‌افتند و می‌توان در طی مراحل تحقیق، به میزان زیادی

1. class justice

در این مراحل انعطاف نشان داد و حتی در طی این مراحل به صورت مداوم به عقب و جلورفت و آن را تا هنگامی که پژوهشگر به قطعیتی در خصوص تم‌های استنباط شده خود دست یابد، ادامه داد. بدین منظور پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها و برگرداندن آن‌ها به نوشتار، متن گفت‌وگوها مورد بررسی قرار گرفت و دوباره خوانده شد تا آشنایی با داده‌ها به گونه‌ای مناسب حاصل گردد. سپس استخراج مفاهیم اولیه از عبارات معنایی نگارش شده صورت پذیرفت و کدهای اولیه تولید شدند. در مرحله بعد، جستجو برای یافتن تم‌های فرعی به گونه‌ای که ناظر بر یک یا دسته‌ای از مفاهیم استخراجی باشد، صورت پذیرفت؛ سپس تم‌های اولیه که در مرحله پیشین شناسایی شدند، مورد بررسی و اصلاح قرار گرفتند و با تجمیع تم‌های فرعی در گستره‌های معنایی وسیع‌تر، به تم‌های اصلی تبدیل شدند. پس از آن به ارتباط متقابل میان تم‌های فرعی و اصلی پرداخته شد و تم‌ها بر مبنای یافته‌ها و روند پژوهش بازتعریف شدند. در نهایت، گزارش نهایی یافته‌ها ارائه شد که در آن تم‌ها و روابط میان آن‌ها در ارتباط با موضوع تحقیق، مورد نگارش قرار گرفتند.

۴. یافته‌ها

۴-۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان

جدول شماره ۱، دربردارنده ویژگی‌های پاسخگویان شامل سن، تحصیلات، وضعیت اشتغال و وضعیت تأهل آنان است.

جدول شماره ۱: مشخصات پاسخگویان

ردیف	نام	سن	تحصیلات	وضعیت اشتغال	وضعیت تأهل
۱	مجتبی	۴۰	بی‌سواد	کارگر مقطعی	متاهل
۲	نفیسه	۴۸	بی‌سواد	مراقب سالمند	متاهل
۳	ماهرخ	۵۸	سیکل	خانه‌دار	بیوه
۴	سمانه	۴۳	بی‌سواد	خانه‌دار	مطلقه
۵	مانده	۲۳	لیسانس	بیکار	متاهل
۶	مهرداد	۴۱	سیکل	راننده	متاهل
۷	فهیمة	۵۰	بی‌سواد	خانه‌دار	متاهل
۸	آمنه	۴۴	بی‌سواد	خانه‌دار	مطلقه
۹	نجمه	۳۸	لیسانس	منشی شرکت	مجرد
۱۰	سارا	۳۵	بی‌سواد	خدمتکار منزل	مطلقه
۱۱	آفاق	۳۰	لیسانس	بیکار	متاهل

برساخت معنایی طرد اجتماعی در میان افراد کم برخوردار شهر مشهد

۱۲	امیرعلی	۲۴	سیکل	بیکار	مجرد
۱۳	حمید	۳۰	سیکل	بیکار	متاهل
۱۴	فرهاد	۲۹	لیسانس	بیکار	مجرد
۱۵	کاوه	۴۰	لیسانس	کارمند	متاهل
۱۶	زینب	۳۴	راهنمایی	خانه‌دار	متاهل
۱۷	سودابه	۴۵	بی‌سواد	خانه‌دار	متاهل
۱۸	سمیه	۳۳	اول دبیرستان	خانه‌دار	متاهل

همان‌طور که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، گروه سنی مصاحبه‌شوندگان از ۲۳ تا ۵۸ سال است. سطح تحصیلات آنان از بی‌سواد تا لیسانس متغیر است و هیچ‌یک از پاسخگویان دارای تحصیلات فوق لیسانس یا دکتری نبودند. اغلب مصاحبه‌شوندگان متأهل، تعداد کمتری از آنان نیز مطلقه یا مجرد و یک نفر نیز بیوه بوده است. از نظر وضعیت اشتغال، برخی از مصاحبه‌شوندگان بیکار یا خانه‌دار بودند و تعداد کمتری از آن‌ها در مشاغلی مانند کارگری، رانندگی، مراقبت از سالمندان و یا خدمتکاری در منازل اشتغال داشتند.

۲-۴. گونه‌شناسی طرد اجتماعی

بر پایه یافته‌های پژوهش حاضر، می‌توان دو نوع اصلی طرد تحت عنوان طرد تعاملاتی و طرد از فرصت‌های اقتصادی-اجتماعی و پنج نوع فرعی طرد اجتماعی شامل طرد از خانواده و خویشان، کاهش تعاملات با افراد برخوردار، طرد از منابع مالی (دسترس‌ناپذیری وام و تسهیلات)، طرد از بازار کار (دسترس‌ناپذیری شغلی) و عدم حمایت مناسب سازمان‌ها و نهادهای دولتی را تشخیص داد. جدول شماره ۲، انواع اصلی و فرعی طرد اجتماعی و نمونه جملات را نشان می‌دهد.

انواع اصلی طرد اجتماعی	انواع فرعی طرد اجتماعی	نمونه جملات
طرد تعاملاتی	طرد از خانواده و خویشان	- وضعی که بد شد، هیچ‌کی (از اقوام) نمی‌اومد سمت ما. - عروسی‌ها را دعوت نکردم که بود، خانواده خودم اصلاً دعوت نکردم که برم. - مشکلات به دوش خودمه... نه خانواده شوهرم کمک می‌کنن، نه خانواده خودم.
	کاهش تعاملات با افراد برخوردار	- بیشتر با کسانی دوست بودم که اوضاع مالی‌شون مثل خودمون بود. - جایی که ماشین مدل بالا پارک، اصلاً نمی‌رم. - اخت نمیشم باهاشون. دور می‌شم از شون.

<p>- گفتند ضامن و کسر حقوق باید داشته باشی... قیدش رو زدیم. - گفتند فقط ضامن. ضامن داشتیم که دیگه نمی خواست دنبال وام بریم که. - کسی ضامن ما زنان بی سرپرست نمی شه.</p>	<p>طرد از منابع مالی (دسترس ناپذیری وام و تسهیلات)</p>	
<p>- الآن دو روز یا به زور پنج روز بشه تو ماه که کار (کارگری) پیدا شه. - پسر من رو بیکار کرد... به خاطر آن که پشتوانه ای نداریم. - کار باشه کار می کنیم... هیچ مشکلی به خدا پیش نمیاد برای ما از نظر اقتصادی.</p>	<p>طرد از بازار کار (دسترس ناپذیری شغلی)</p>	<p>طرد از فرصت های اقتصادی-اجتماعی</p>
<p>- الآن کمیته امداد دو ماهی یک بار به مامانم ۹۰ تومن می ده که هیچی نیست. - شوهرم چند ساله قطع نخاع شده... نه کمیته، نه بهزیستی هیچ کدوم قبول نکردن. - رفتم کمیته، گفتم خرجم در نمیاد... قشنگ پیشنهاد دادن برو ازدواج موقت کن.</p>	<p>عدم حمایت مناسب سازمان ها و نهادهای دولتی</p>	

جدول شماره ۲: انواع طرد اجتماعی

۴-۲-۱. طرد تعاملاتی

این نوع طرد، شامل طرد از خانواده و خویشان و کاهش تعاملات با افراد برخوردار است.

• طرد از خانواده و خویشان

کمک و حمایت اعضای خانواده و شبکه های خویشاوندی، همواره یکی از راه های ادامه زندگی و بقا برای افراد کم برخوردار بوده است (ادین و لین، ۱۹۹۷؛ کلارک، ۲۰۰۲)؛ اما به باور دزموند (۲۰۱۲)، با وجود آنکه جامعه شناسان از دیرباز مشاهده کرده اند افراد کم برخوردار برای زنده ماندن در شرایط فقر اقتصادی، به شبکه های خویشاوندی خود متکی هستند؛ در جوامع کنونی، این وضعیت به شدت رنگ باخته است. در پژوهش حاضر نیز افراد کم برخوردار مصاحبه شونده نه تنها بر این حمایت ها تأکید نکردند، بلکه بر طرد از جانب اعضای خانواده و یا خویشان و نزدیکان خود اذعان داشتند:

«هرچی در میارم، برای خونه خرجی می خرم. بچه ها کفش ندارند، کلاه ندارند. مشکلات به دوش خودمه... نه خانواده شوهرم کمک می کنن، نه خانواده خودم کمک می کنن... حالا از همه جا مونده ام دیگه» (نقیسه، ۴۸)

«کسی حواسش به ما نبود، کسی حمایتی نکرد، نه عاطفی نه مالی» (حمید، ۳۰ ساله)

«خانواده حمایت مالی که نمی کردند، نه این که بگم خودشون ندارن؛ ولی خب این جوری حمایت نمی کردن... امروز هرکی می گه بیشتر از همه به فکر خودم باشم. من که دیگه به خاطر این که منت ندارن و چیزی نگو، چیزی نمی گفتم. اگه سختی ای گرسنگی ای چیزی می کشیدم با دخترم» (سارا، ۳۵ ساله)

آنان برای این آگاهی دست یافته بودند که وضعیت مالی ایشان، مستقیماً با طرد از جانب خانواده یا خویشاوندان در رابطه بود:

«مثلاً خانواده خودم... هیچ جا نمی خواد بری... فقط خانواده خودم. عروسی داداش کوچیکم که بود، اصلاً دعوتم نکردن که برم. یه جوری دعوتم کردن... ساعت یک زنگ زدن که امروز بعدازظهر عقد داداشته. نه وقت داشتم رختی بگیرم، نه لباس داشتم نه وقت داشتم جایی برم. برای همین نرفتم. بعدش گله کردم. زن داداش کوچیکم گفت چرا برای عقد نیومدی؟ گفتم فکر کردن من ندارم که بیام آبروشون رو حفظ کنم. کادویی بخوام بدم» (آمنه، ۴۴ ساله)

«قوم و خویشامون داشتم، ولی ندادن. وضعمون که بد شد، هیچکی نمی اومد سمت ما. همه از ما دوری کردن» (امیرعلی، ۲۴ ساله)

این یافته با تحقیقات بردشاو (۲۰۰۰) نیز همخوانی دارد؛ به این صورت که وی طرد از روابط اجتماعی را یکی از ابعاد طرد می داند که شامل انزوا و کمبود حمایت‌ها، جدایی‌سازی‌ها و محصوربودن است که همه این شاخص‌ها در میان افراد فقیر بیشتر مشاهده می شود. دی هان (۱۹۹۷) نیز حیطه روابط، شامل شبکه‌های خانوادگی، شبکه‌های پشتیبانی گسترده‌تر و... را از حیطه‌های طرد اجتماعی می داند:

«من الان خیلی برام سخته، خیلی. به داداشم می گم، می گه چیکار کنیم ما؟ می گه فوقش می تونی بچه‌هاتو بیندازی، بیای. می گم من همه امیدم این دوتا بچه ست؛ یعنی پسر و دخترم. به خاطر این دوتا نشستیم. من هستم بچه‌ها سیر نون نمیشن، سیر لباس نمیشن. اگه من نباشم که...» (نفیسه، ۴۸ ساله)

• کاهش تعاملات با افراد برخوردار

تعاملات اجتماعی، اهمیت بسیاری برای همگان دارد و این اهمیت برای افراد کم برخوردار دوچندان است. ناریان (۲۰۰۵)، توانمندسازی را اساساً مفهومی رابطه‌ای می داند و تعاملات افراد فقیر را یکی از ارکان این مفهوم ذکر می کند. در پژوهش حاضر، برخی از افراد کم برخوردار در شهر مشهد سعی در کاهش تعاملات خود با افراد برخوردار داشتند و در این زمینه به کاهش روابط اجتماعی و انجام تعامل با افراد کم برخوردار و محدود کردن دیگر روابط اجتماعی خود، روی می آوردند:

«من تو دانشگاه بیشتر با کسانی دوست بودم که اوضاع مالی شون مثل خودمون بود... نگران بودم اگه من مهربون رفتار کنم، لبخندی بزنم، بقیه روشن رو اون طرف کنن و یه جوری سرد برخورد کنن، من خنک شم!» (مانده، ۲۳ ساله)

حتی برخی از آنان از رفتن به برخی مراکز تفریحی یا شغلی خودداری می‌کردند:

«جایی که ماشین مدل بالا پارک، اصلاً نمی‌رم. جایی برای تفریح می‌خوام برم، اول ماشینایی که پارک رو نگاه می‌کنم، بعد می‌رم» (فرهاد، ۲۲ ساله)

ساندرز و تسوموری (۲۰۰۲) نیز، گفتمان «طرد اجتماعی» و «مشارکت اجتماعی»^۱ را دو روی یک سکه می‌داند. از دید آنان اگر کسی مطرود اجتماعی باشد، بدان معنی است که نمی‌تواند به‌طور مؤثر در جامعه مشارکت کند:

«دیگه سرکار نمی‌رم. تو خونه کار می‌کنم. بسه هر چقدر توهین شنیدم و تحقیر شدم» (نجمه، ۳۸ ساله)

به این ترتیب، طرد اجتماعی مستلزم عدم حضور در طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های اجتماعی است. در پژوهش روترو و همکاران (۲۰۰۹) در کانادا نیز جداسازی خود از دیگران، یکی از راهبردهای اتخاذ شده به وسیله قشر کم‌برخوردار بود:

«اگر کسایی این جور باشن، اُخت نمی‌شم باهاشون، دور می‌شم از شون. اگه فضای محل کار این جور باشه، زود اونجا رو ترک می‌کنم» (آفاق، ۳۹ ساله)

۲-۲-۴. طرد از فرصت‌های اقتصادی - اجتماعی

این نوع طرد، شامل طرد از منابع مالی (دسترس‌ناپذیری وام و تسهیلات)، طرد از بازار کار (دسترس‌ناپذیری شغلی) و عدم حمایت مناسب سازمان‌ها و نهادهای دولتی است.

• طرد از منابع مالی (دسترس‌ناپذیری وام و تسهیلات)

یکی از وجوه طرد، طرد از تسهیلات مالی و اعتباری است. با وجود آنکه افراد کم‌برخوردار برای ادامه حیات خود نیازمند وام و تسهیلات هستند (اورلی و گوردن، ۱۹۹۵؛ امندا و همکاران، ۲۰۱۴)، زنان و مردان کم‌برخوردار شهر مشهد در مصاحبه‌ها عنوان نمودند که امکان دسترسی و استفاده از وام و تسهیلات را ندارند.

این افراد دلایل این عدم دسترسی را موارد زیر ذکر نموده‌اند:

نداشتن ضامن: «مثلاً می‌گن وام می‌دن برای اونایی که مستاجر هستن، خب ماهی چقدر باید بدی... می‌گن باید ضامن و کسر حقوق داشته باشی... قیدش رو زدم. رفتم کافی نت اقدام کردم بعد که گفت ضامن و کسر حقوق باید داشته باشی... چی داشته باشی، برگشتم» (سمانه، ۴۳)

عدم توانایی سپرده‌گذاری: «وام هم نمی‌دن. هرچی دربیاری باید پول میلگرد و بتن و

اینا بدی. وام پول می‌خواد که سپرده بذاری. ندارم بانک بذارم، ضامن هم ندارم. یه خونه می‌خوام درست کنم، توش موندم» (مهرداد، ۴۱ ساله)

عدم توانایی بازپرداخت اقساط: «یک بار هم کمیته (امداد) رفتم برای وام درخواست کردم، گفتن یه مقدار بهت می‌دیم ولی از حقوقت کم می‌کنیم. کلاً ۹۰ (هزار) تومن بهم می‌دن؛ ۵۰ تومن کم کنن، خب اون ۴۰ تومن باقیمونده رو دیگه به کجا بزنم» (ماهرخ، ۵۸ ساله)

مجموع عوامل یادشده: «یه بار بود دفتر تسهیلتگری اومدم شکایت کردم بابت این‌که وام می‌خوایم. گفتند فقط ضامن! ضامن داشتیم که دیگه نمی‌خواست دنبال وام بریم که. پسرم تازه براش نامزد کردیم، ۵۰ میلیون وام ازدواج می‌خوایم بگیریم، هر جا میریم می‌گن حقوقتون کمه، این وام ۵۰ تومنه. حقوقتون کمه، کفایت نکرد» (فهیمه، ۵۰ ساله)

دی هان (۱۹۹۷) نیز، یکی از حیظه‌ها و عناصر طرد اجتماعی را طرد از منابع و یکی از عناصر این نوع طرد را، طرد از منابع مالی می‌داند:

«یکی از خانم‌های اینجا (دفتر تسهیلتگری) گفت می‌تونم وام بگیرم. نگاه من برای پنج میلیون موندم، رفتم به هر جایی برای وام، کسی ضامن ماها نمی‌شه. این درده. الآن وام زیاده، هر چی بگیرم الآن وام دارن، ولی ما ضامن نداریم، کسی ضامن ما زنان بی‌سرپرست نمی‌شه، می‌گن اینا از کجا دارن بیارن بدن. دقیقاً همین» (آمنه، ۴۴ ساله).

دی هان در پژوهش دیگری، محرومیت از اعتبار را یک بُعد بسیار مهم طرد اجتماعی در کشوری مانند هند می‌داند (دی هان و ماکسول، ۱۹۹۸). بردشاو (۲۰۰۰) نیز به طرد از خدمات مالی ذیل طرد و عدم دسترسی به خدمات اساسی اجتماعی اشاره دارد.

• طرد از بازار کار (دسترسی ناپذیری شغلی)

یکی دیگر از وجوه طرد اجتماعی که مصاحبه‌شوندگان کم برخوردار شهر مشهد به آن اشاره داشتند، طرد از بازار کار است. افراد کم برخوردار مصاحبه‌شونده، نداشتن پشتوانه‌های اجتماعی و اقتصادی را از دلایل محرومیت از بازار کار عنوان کرده‌اند:

«پسرم مثلاً می‌رفت ام‌دی‌اف‌کاری. اون صاحب‌کارش اومد نامردی کرد، خیلی نامردی بزرگی کرد. اومد پسر خواهر خودشو برد، پسر من رو بیکار کرد. شغلش رو خیلی دوست داشت، ولی این جور می‌کنن. به خاطر این‌که پشتوانه‌ای نداریم. اگه یک حمایتی کنن، کار باشه کار می‌کنیم، نباشه... بچه‌های ما... یک جایی کار کنن که ما بدونیم این‌ها آینده دارن. این‌ها دستشون به دهنشون می‌رسه، هیچ مشکلی به خدا پیش نمی‌یاد برای ما از نظر اقتصادی» (آمنه، ۴۴ ساله)

«شوهرم اول کارگر جوشکاری بود، بعد مغازه باز کردیم. دو سال وضعمون خوب بود. بعد

آهن گرون شد. ما سرمایه نداشتیم در و پنجره آماده کنیم. دیگه جمع کردیم دیدیم فقط کرایه مغازه می دادیم» (زینب، ۳۴ ساله)

«ببین ما الان شرایطی داریم که یک بار هم توی دفتر (تسهیلگری) برای یه کدوم ازین خانم‌ها گفتم. گفتم نگاه، شما همچین دفتری رو مثلاً زدین، امثال ماها خودمون کار می‌کنیم، نه حقوق می‌خواهیم، نه خواروبار می‌خوایم، نه هیچی... شما اگه بتونین بچه‌های ما رو زیر پوشش ببرین، هر جایی تولیدی‌ای هست کاری هست، کاری بهشون بدین... نگاه نه برای خودم نمی‌گم، امثال خودم زیادن. من باهاشون سروکار دارم» (آمنه، ۴۴ ساله)

«وقتی کارگری، وقتی درآمد دائم نباشه، به دست مردم نگاه می‌کنی، کار نباشه آدم می‌مونه. الان باید خودمون رو بیندازیم تو ماشین‌های مردم تا بریم سرکار. الان دو روز یا به‌زور پنج روز بشه تو ماه که کار پیدا شه. سر میدون کال زerkش بیایی، می‌بینی» (مجتبی، ۴۰ ساله)

این یافته با پژوهش‌های گلیه و همکاران (۲۰۰۳) و ریچاردسون و ویل (۲۰۱۵) نیز منطبق است. گلیه و همکاران (۲۰۰۳)، طرد اجتماعی را مانند ماریچی روبه‌پایین می‌داند که در آن درحاشیه‌بودن در بازار کار، محرومیت مالی و انزوای اجتماعی ایجاد می‌کند که به‌نوبه خود موجب دشوارتر شدن ورود دوباره به کار می‌شود:

«اونا هم کارشون کشاورزی بود؛ اما اونا پشتشون گرم بود. باباشون خیلی مال و ثروت داشت. بابای من خیلی پشتوانه نداشت... خودش جمع کرده بود... بعد ضرر، ورشکست شدیم... رفتم سمت اعتیاد... الان هم بیکاریم...» (امیرعلی، ۲۴)

پژوهش ریچاردسون و ویل (۲۰۱۵) نشان می‌دهد، دسترسی به فرصت‌های شغلی مشروع برای مردان جوان سیاه‌پوست فقیر محدود است و آنان در معرض بیکاری و طرد اجتماعی قرار دارند. بردشاو (۲۰۰۰) نیز طرد از بازار کار را یکی از انواع مهم طرد اجتماعی می‌داند. دستیابی افراد به بازار کار، به‌طور فزاینده‌ای مهم تلقی می‌شود؛ نه‌تنها به این دلیل که مسیری برای درآمد کافی است، بلکه به دلیل این‌که کار به‌عنوان یک عرصه مهم ارتباط اجتماعی و تعامل اجتماعی تلقی می‌شود. بدین ترتیب افرادی که دارای کار با درآمد نیستند، ممکن است از نظر اجتماعی طرد شوند.

• عدم حمایت مناسب سازمان‌ها و نهادهای دولتی

با وجود آنکه دولت‌ها می‌توانند با اقداماتی مانند افزایش پرداختی‌ها، خدمات رفاهی و... نقش مهم و مؤثری در حمایت از افراد کم‌برخوردار ایفا کنند (جنکینز و ریگ، ۲۰۰۱؛ کلارک، ۲۰۰۲)، مصاحبه‌شوندگان در شهر مشهد، حمایت سازمان‌ها و نهادهای دولتی را بسیار ناچیز و ناکافی ارزیابی نموده‌اند:

«نمی‌دن، چی می‌دن؟ دو ماهی یکبار به ما مانم الان کمیته امداد ۹۰ تومن می‌ده. هیچی نمی‌دن» (سارا، ۳۵ ساله)

«شوهرم چند ساله قطع نخاع شده... زخم بستم داره. نه کمیته، نه بهزیستی هیچ کدوم قبول نکردن. اصلاً قبول نکردن. شما اگه در جریان باشین سؤال کنین، یک درآمد کم اگه داشته باشین، ۵۰۰ تومن هم که داشته باشین، قبول نمی کنن نه بهزیستی نه کمیته امداد» (سودابه، ۴۵ ساله)

برخی از زنان کم برخوردار مصاحبه شونده، نه تنها از این عدم حمایت شکایت داشتند؛ بلکه از رفتار در ظاهر حمایت کننده برخی از اعضای این نهادها که حاوی پیشنهادهای توهین آمیزی به این افراد بود، احساس خشم و نارضایتی می نمودند:

«رفتم کمیته، گفتم خرجم در نیما؛ مثلاً پول خونه‌ای کرایه خونه‌ای کمکم کنه. وقتی میری اگه روشن بشه خودشون بهت پیشنهاد ازدواج موقت می دن، یعنی قشنگ پیشنهاد می دن برو ازدواج موقت بکن. میگم مگه شوهر ریخته همین جور دم کوچه؟ میگن ازدواج موقت گناه نیست، خدا حلالش کرده! میگن آره، شوهر هست، یعنی خودشون علناً دارن بهت می گن ما هستیم. دیگه من این چیزهایی که خودم کشیدم رو دارم بهتر می گم. میگن یه چند ماه باهش عقد کن، کمک خرجت باشه، دیدن باهم می تونین بسازین، زندگی می کنین. خب اگه من خواستم اون نخواست چی؟ هیچی دیگه زندگی کردی، یه کمک خرجی بوده. دیگه اینا همه هست. اینا همه رو تحمل کردم و کشیدم. اینجور چیزا برای من که خیلی پیش اومد. فقط خدا به همه مردم کمک کنه، به همه زنان. بعضی زنان به راه بد... کشیده می شن، می گن زن فاسق... زن فاسق مگه از اول فاسق بوده؟ مگه مادرزاد بوده؟» (سارا، ۳۵ ساله)

با توجه به نظریات دی هان (۱۹۹۷)، طردی که مصاحبه شوندگان از آن یاد کردند را می توان در حیطه ازدست دادن منابع مانند انواع سرمایه ها و خدمات دولتی تقسیم بندی نمود.

۵. جمع بندی و نتیجه گیری

طرد اجتماعی افراد کم برخوردار، شامل طیف گسترده ای از عواملی است که افراد را از منابع و امکاناتی که پیش روی دیگر افراد جامعه است، محروم می نماید. این پدیده اگرچه مسئله جدیدی نیست، اما در جوامع نوین با اشکال تازه و با شدتی بیشتر در حال رخداد است. مطرودیت اجتماعی همواره مورد توجه سیاست گذاران، جامعه شناسان و اقتصاددانان بوده است (کابر، ۲۰۰۰) و محققان مختلف رابطه تنگاتنگی میان طرد اجتماعی و مقوله فقر قائل شده اند (یوراست، ۲۰۱۸؛ گیدنز و بردسال، ۱۳۸۶؛ کابر، ۲۰۰۰؛ سن، ۲۰۰۰؛ فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۸؛ شرافت و همکاران، ۱۳۹۷)؛ تا بدان جا که برخی قائل به چرخش مفهومی از فقر به مطرودیت اجتماعی هستند (غفاری و امیدی، ۱۳۸۹).

با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر با هدف کشف احساسات و تجارب افراد کم برخوردار در زمینه طرد اجتماعی و شناسایی ویژگی های طرد و ارتباط آن با فقر انجام شد. در این پژوهش افزون بر بهره گیری از ابزار مصاحبه و نمونه گیری نظری (به عنوان یکی از روش های کیفی) و نیز اطمینان از

تعداد مصاحبه‌ها برای رسیدن به اشباع نظری، تلاش شد تا به وسیله شیوه اعتبارسنجی از طریق اعضا و پرسیدن دیدگاه شرکت‌کنندگان درباره اعتبار یافته‌ها و تفسیرهای به عمل آمده توسط محقق، بر اعتبار پژوهش افزوده شود. همچنین در آن از چهارچوب براون و کلارک (۲۰۰۶) که دارای شش مرحله (آشنایی با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جستجو برای تم‌ها، بررسی تم‌ها، تعریف تم‌ها و نگارش و تحلیل نهایی) است، برای تحلیل مضمون داده‌ها استفاده شد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد افراد کم‌برخوردار شهر مشهد از انواع گوناگون طرد اجتماعی رنج می‌برند. آنان چه از تعاملات اجتماعی و چه از فرصت‌های اقتصادی - اجتماعی که برای افراد غیرمطرو در جامعه فراهم است، کنار گذاشته شده‌اند. خانواده و خویشان از آنان کناره می‌گیرند و آنان وضعیت مالی خود را مستقیماً با کناره‌گیری خانواده، خویشاوندان یا نزدیکان خود، مرتبط تلقی می‌کنند. برخی از مصاحبه‌شوندگان برای کاهش احساس طردشدگی، تعاملات خود را با افراد برخوردارتر کاهش می‌دهند و دایره روابط اجتماعی خویش را محدود به افراد کم‌برخوردار می‌کنند که این شبکه‌های اجتماعی محدود، خود مانعی در مسیر بهبود وضعیت آنان است. این افراد که نه توانایی سپرده‌گذاری دارند و نه حامیانی که ضمانت بانکی آنان را بپذیرد، توان استفاده از وام و تسهیلات و مالی برای بهبود زندگی خود را ندارند. این در حالی است که نداشتن پشتوانه‌های اجتماعی و اقتصادی، بیکاری و یا اشتغال در مشاغل موقت و روزمزدی را برای آنان رقم می‌زند و در این بین آمیدی به حمایت سازمان‌ها و نهادهای دولتی ندارند؛ زیرا یا مشمول خدمات آنان نمی‌شوند (مانند زن سرپرست خانواری که دارای همسری ولومعتاد یا بیمار است)، یا حمایت‌های آنان را بسیار ناچیز و ناکافی یافته‌اند.

بنابراین، افراد کم‌برخوردار شهر مشهد درگیر ماریپیچ روبه‌پایین فقر (گیله و همکاران، ۲۰۰۳)، از فرصت‌هایی که پیش روی اکثریت اعضای جامعه است (گیدنزو بردسال، ۱۳۸۶)، بی‌بهره‌اند. آنان از سوی خانواده و خویشان (بردشواو، ۲۰۰۰؛ دی هان، ۱۹۹۷) و سازمان‌ها و نهادهای دولتی (دی هان، ۱۹۹۷)، مورد طرد قرار می‌گیرند و با دچار شدن به شرایط طرد اجتماعی که مانع مشارکت اجتماعی آنان (ویرتو، ۲۰۲۰؛ ساندرز و تسوموری، ۲۰۰۲)، حضور در بازار کار (یوراست، ۲۰۱۸) و موجب کسب درآمد پایین‌تر از حد معمول در جامعه (دی هان و ماکسول، ۱۹۹۸) است؛ امکان شکستن چرخه ننگ‌آمیز فقر (واکسمن، ۱۹۹۷) را نمی‌یابند و برای غلبه بر شرایط پیش رو، به جداسازی خود از دیگران (روترو و همکاران، ۲۰۰۹) روی می‌آورند.

بنابراین پیشنهاد می‌شود با در نظر گرفتن وضعیت اقشار کم‌برخوردار (مانند عدم توان بازپرداخت در کوتاه‌مدت، عدم پرداخت اقساط سنگین، عدم برخورداری از شرایط فعلی ضمانت و ضامن‌های مورد نظر سیستم بانکی)، وام و تسهیلات دولتی برای این اقشار در نظر گرفته شود. فراهم نمودن امکان اشتغال دائم این افراد، تجدیدنظر در شرایط پذیرش اعضای نهادها و سازمان‌هایی مانند سازمان بهزیستی و کمیته امداد و همچنین حمایت از فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در زمینه کاهش فقر و افزایش ادغام اجتماعی - اقتصادی افراد کم‌برخوردار و استفاده از ظرفیت‌های این

سمن ها و نفوذ محلی آنان، می تواند در زمینه کاهش طرد اجتماعی این افراد، کارساز باشد. افزون بر آن، تغییر رویکرد سازمان های پشتیبان از حمایتگری تقلیل گرایانه به رویکرد توانمندسازانه مبتنی بر تسهیل گیری اجتماعی، می تواند زیربنای پرتوانی برای چیرگی بر چالش های موجود در این زمینه به ویژه مسئله کمبود منابع و ناهمخوانی آن با نیازهای فزاینده گروه های کم برخوردار فراهم آورد. در بطن چنین تحولی، ضروری است مجموعه ای از سازوکارهای تعاملی و پیونددهنده که در بردارنده ارتباط مجدد و پایدار طردشدگان اجتماعی با عاملان مختلف در جامعه و جایگذاری مجددشان در شبکه های اجتماعی مختلف از قبیل شبکه خویشاوندی، شبکه دوستی و ... باشد، پیش بینی شود.

منابع

- ابراهیمی، مهدی (۱۳۹۱). «مرور و معرفی کتاب: طرد اجتماعی: علل و پیامدهای کوتاه مدت و بلندمدت». جامعه شناسی ایران، دوره سیزدهم، شماره ۳: ۱۸۰-۱۷۵.
- اکبری، حسین (۱۳۹۷). «بسترهای اقتصادی آسیب ها و جرائم اجتماعی در شهر مشهد». در تحلیل مسائل و آسیب های اجتماعی کشور (۱۳۹۷)، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران: چاپ دوم.
- اکبری، حسین (۱۳۹۷). «فقر شهری و توزیع آسیب ها و جرائم اجتماعی». مجموعه چکیده مقالات سومین همایش ملی آسیب های اجتماعی ایران، تهران: انجمن جامعه شناسی ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران.
- ایمانی جاجرمی، حسین و مسعودیان، مهدی (۱۳۹۸). «سکونتگاه های جدید و بازتولید نابرابری اجتماعی (تجربه زیسته ساکنان مسکن مهر صدرای شیراز)». مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۸، شماره ۱: ۲۲۲-۱۹۹.
- سفیری، خدیجه؛ احیایی، پویان؛ مرکزی، آیدا (۱۳۹۹). «بررسی جامعه شناختی احساس طردشدگی زنان در بین خانواده های زن سرپرست تحت پوشش اداره بهزیستی شهر مشهد». مطالعات اجتماعی روان شناسی زنان، دوره ۱۸، شماره ۱: ۱۰۴-۶۵.
- شرافت، سجاده؛ ازکیا، مصطفی؛ وثوقی، منصور؛ میرزایی، محمد (۱۳۹۷). «فهم تجربه زیسته طرد اجتماعی در بین فقرای روستایی استان ایلام: رویکردی کیفی». پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۶: ۳۹-۱.
- صادقی، علیرضا (۱۳۹۵). زندگی روزمره تهی دستان شهری. رساله برای دریافت درجه دکتری در رشته جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- غفاری، غلامرضا؛ امیدی، رضا (۱۳۸۹). «چرخش مفهومی و نظری از فقر به سازه مطروید اجتماعی». برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۲، شماره ۴: ۶۶-۳۵.
- فرهادی خواه، حسین؛ حاتمی نژاد، حسین؛ شاهی، عارف؛ ظفری، مسعود (۱۳۹۶). «تحلیل فضایی فقر شهری در سطح محله ها (نمونه پژوهی: شهر مشهد)». اقتصاد شهری، دوره ۲، توالی ۳: ۳۶-۱۷.
- فیروزآبادی، احمد؛ صادقی، علیرضا (۱۳۸۹). «وضعیت طرد اجتماعی زنان فقیر روستایی». بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۱: ۱۴۳-۱۷۴.
- گیدنز، آنتونی؛ بردسال، کارل (۱۳۸۶). جامعه شناسی. ترجمه حسن جاووشیان. تهران: نی. چاپ اول.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضدروش ۲. تهران: جامعه شناسان. چاپ دوم.
- یوسفی، علی؛ ورشوویی، سمیه (۱۳۹۰). «نابرابری های اجتماعی در فضای شهر مشهد: برآوردی از نابرابری های درآمدی و تحصیلی». مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۴، شماره ۴، شماره پیاپی ۱۲: ۱۸۳-۱۵۳.

- Amendah, D. D., Buigut, S., & Mohamed, S. (2014). Coping strategies among urban poor: Evidence from Nairobi, Kenya. PloS one, 9(1), e83428

- Bradshaw, J (2000). Poverty and social exclusion in Britain. Report. Findings. Joseph Rowntree Foundation, York.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology, *Qualitative Research in Psychology*, 3, 77-101.
- Clarke, S. (2002). 10 Sources of subsistence and the survival strategies of urban Russian households. *Work, employment and transition: Restructuring livelihoods in post-communism*, 15, 193.
- de Haan, A., & Maxwell, S. (1998). Poverty and social exclusion in North and South, *IDS Bulletin* 29 (1), 1-19.
- de Haan, A (1997). Social exclusion in policy and research: operationalising the concept, *Social Exclusion: An ILO Perspective*, Geneva: ILS
- Desmond, M. (2012). Disposable ties and the urban poor. *American Journal of Sociology*, 117(5), 1295-1335.
- Edin, K., & Lein, L. (1997). Work, welfare, and single mothers' economic survival strategies. *American sociological review*, 253-266.
- EUROSTAT (2018). Smarter, greener, more inclusive? Indicators to support the Europe 2020 strategy. Luxembourg, Publications Office of the European Union.
- Gallie, D., Paugam, S., & Jacobs, S. (2003). Unemployment, poverty and social isolation: Is there a vicious circle of social exclusion? *European societies*, 5(1), 1-32.
- Jaruwan Daengbuppha, Nigel Hemmington, Keith Wilkes (2006). Using grounded theory to model visitor experiences at heritage sites, *Qualitative Market Research: An International Journal*, 9(4), 367-388.
- Jenkins, S.P. & Rigg, J.A. (2001). The dynamics of poverty in Britain (Department for Work and Pensions Research Report) No. 157, Corporate Document Services, Leeds, (2001). London: Department for Work and Pensions.
- Kabeer, N. (2000). Social exclusion, poverty and discrimination towards an analytical framework?. *IDS bulletin*, 31(4), 83-97.
- Narayan, D. (2005). Conceptual framework and methodological challenges. *Measuring empowerment*, 1, THE WORLD BANK, Washington, DC.
- O'Reilly, C., & Gordon, A. (1995). Survival strategies of poor women in urban Africa: The case of Zambia. *Natural Resources Institute*. Chatham, UK.
- Richardson, J., & Vil, C. S. (2015). Putting in work: Black male youth joblessness, violence, crime, and the code of the street. *Spectrum: A Journal on Black Men*, 3(2), 71-98.
- Saunders, P., & Tsumori, K. (2002). Poor concepts: 'Social exclusion', poverty and the politics of guilt. *Policy: A Journal of Public Policy and Ideas*, 18(2), 32.
- Sen, A. (2000). Social exclusion: Concept, application, and scrutiny, Master of Trinity College, Cambridge, and Lamont University Professor Emeritus, Harvard University, Social Development.
- Virto, L. M., & Eransus, B. P. (2020). Understanding Social Exclusion through Minimum Income Recipients' Living Conditions. *Intersections*, 6(2), 154-175.
- Waxman, C. I. (1977). *The Stigma of Poverty; A Critique of Poverty Theories and Policies*, United Kingdom, Pergamon Press.